

پیام نوین

سال پنجم

اسفندماه ۱۳۴۱

شماره ۵

مقدمه شاهنامه

چنانکه خوانندگان عزیز میدانند کتاب شاهنامه فردوسی که از نشریات «اداره انتشارات ادبیات خاور» و جزو سلسله آثار ادبی ملل خاور می باشد توسط فرهنگستان علوم اتحاد شوروی - انستیتوی خاور شناسی - بچاپ میرسد و جلد اول آن در سال ۱۹۶۰ در مسکو طبع گردیده که شامل متن شاهنامه بقرسی از آغاز تا پایان پادشاهی منوچهر است. چون «پیش گفتار» این جلد حاوی مطالب مفیدی بود خلاصه ای از آن برای استفاده علاقه مندان درج میگردد.

شاهنامه منظومه فردوسی یکی از عالیترین یادگارهای ادبیات جهان است. در خاور زمین از قدیم الایام با اهمیت آن پی برده بوده اند. نسخه های خطی بیشمار که در تمام کشورهای جهان موجود است بهترین گواه این امر است. این موضوع جالب است که همردیف با نسخه های خطی زیبا و مجلل که بامینیاتورهای عالی تزئین یافته و دارای جلدهای گرانبها هستند، نسخه های خطی باصطلاح بازاری هم زیاد است که باخط خوب نوشته نشده و روی کاغذ بد استنساخ شده و جلدهای ارزان قیمت دارند. این موضوع نشان میدهد که هر چند شاهنامه توجه خواننده فتودال از طبقه ممتاز را جلب می کرده، با اینوصف مورد علاقه و توجه تمام محافل اهل مطالعه و کتابخوانها هم بوده است.

شهرت و محبوبیت عظیم شاهنامه (یا شاید گفتارهای حماسی که در پایه و اساس آن قرار دارد) منجز به این شده است که بسیاری از قطعات آن تا

مسافات بعید خارج از خراسان هم که محل بوجود آمدن آن منظومه بوده ،
اشاعه و انتشار یافته است . حتی در رمانهای اروپا در قرون وسطی ما با نام
روستمانس (۱) پهلوان دیوپیکر مواجه میشویم ؛ مشکل این موضوع هم
مورد شك باشد که در افسانه روسی درباره یروسلان - زالازاره ویچ (۲)
همچنین با انعکاسی از گفتارهای مربوط برستم سر و کار داریم . توأم
شدن نام رستم را (هر چند بقرار معلوم ، آمیخته شده با نام ترکی ارسلان)
با رستم زال ذر پدر رستم و حتی کیکاوس (در افسانه روسی کرکائوس است)
که دشمن رستم بوده ، مشکل بتوان تطابق تصادفی دانست . بسدیهی است
که تمام افسانه روسی را بعنوان تکرار گفتار درباره رستم نمیتوان تلقی
نمود . چطور این افسانه بوجود آمده - موضوعی است که جای بحث در آن
بیاره اینجا نیست ؛ من در اینجا درباره آن اسانه برای این تذکر میدهم که
گواهی درخشان وسیع ترین بسط و انتشار نقلهای سکاهاست که وارد
شاهنامه شده اند .



پس از ذکر شرح مختصر فوق از مقدمه مفصلی که دانشمند ایران شناس
و خاور شناس نامی شوروی ی . برتلس برای شاهنامه چاپ اتحاد شوروی
نوشته است تصریح میشود که دانشمند مزبور که در سال ۱۹۵۷ در گذشت
در تنقیح شاهنامه زیاد فعالیت نموده و متن منقح شاهنامه تحت نظرویی تهیه
شده است . اصل مقدمه ای که ی . برتلس بزبان روسی نوشته ، در جلد اول
شاهنامه چاپ مسکو درج گردیده است .
چنانکه معلوم است ، اولین متون کامل و علمی شاهنامه که در سده گذشته
بتوسط ت . ماکانو ژ . مول انتشار یافت و در آن زمان کاری پر ارج و موفقیتی
مهم بشمار میآید ، حاوی برخی ضروریات متن منقح علمی نبود . مول و ماکانو
هیچکدام در مقدمه های متن منقح خود با صراحت تذکر نداده اند که از کدام
نسخه ها استفاده کرده ، کدام متن ها را مرجع دانسته و برای تنقیح متن چه
شیوه ای پیش گرفته اند . تا آنجا که معلوم است ، هر دو ناشر تعداد زیادی از
نسخه های شاهنامه را که چندان قدیمی نبوده بدست آورده ، آنها را بایکدیگر
سقایسه کرده ، بدلخواه خود متن اصلی را انتخاب نموده اند و شقوق مختلف
نسخه های دیگر را ابدأ ذکر نکرده اند . بدین ترتیب متن هائی بدست آمده

است که قرائت آنها آسان است ولی رابطه آنها با متن اصلی اثر فردوسی معلوم نیست .

در اواخر سده گذشته ا. وولرس چاپ دیگری از شاهنامه را منتشر ساخت . وولرس چاپ های مول و ماکان را با هم مقایسه کرده ، متن خود را مبتنی بر آن دو چاپ نمود و تفاوت آنها را با دقت در پائین صفحات ذکر نمود .

علاوه بر آنکه چاپ وولرس بواسطه فوت ناشر ناتمام ماند این چاپ نیز مسائل عمده ای را که بر عهده علم است ، یعنی رجوع به قدیمی ترین ، بهترین و معتبر ترین نسخه های خطی و همچنین معرفی نسخه های مورد استفاده و ذکر دقیق نسخه بدلها را حل نمود .

هنگام جشن هزاره فردوسی چاپخانه بروخیم متن ناتمام وولرس را تقریباً بدون تغییر چاپ نمود و ترتیب دادن بقیه آنرا که وولرس و شاگردش « لاند اوور » بدان توفیق نیافته بودند ، بعهده سعید نفیسی گذاشت (ما این چاپ را با علامت شرطی T مینامیم) . متن شاهنامه چاپخانه خاور که بمناسبت جشن هزاره فردوسی انتشار یافته و همچنین چاپ دبیرسیاقی که در این اواخر منتشر میگردد نیز هر دو اصولاً بر پایه متن های مول و ماکان قرار دارند .

دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن منقح جدیدی از این اثر با عظمت و نبوغ و دارای اهمیت جهانی که مشکلی بر اصول علمی و قدیمیترین و بهترین نسخ باشد ، تذکار داده اند . انستیتوی خاور شناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه راه دیگری در پیش گرفت که با راه متقدمین تفاوت دارد . استفاده از چاپهای قبلی که بر پایه نسخ خطی نامعلوم و بدون ذکر تاریخ قرار دارند (بجز در موارد استثنائی) بدون فایده تشخیص داده شد . همچنین رجوع به نسخ زیاد خطی قرون مختلف که دارای اغلاط و اشتباهات و اضافات و تحریفات زیادند نیز غیر مفید بنظر رسید . در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که فقط از قدیمی ترین نسخه ها که تقریباً همزمان و از حیث متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده گردد . ترتیب دهندگان متن برای کار خود از نسخ خطی زیرین استفاده نموده اند :

۱- نسخه خطی موزه بریتانیا که در سال ۶۷۵ هجری نوشته شده ، از کلیه نسخ خطی که تا بحال معلوم و مشهور است قدیمی تر و بنظر ما

بهترین نسخه مذکور است. (این نسخه در همه جا باعلامت شرطی II نمایانده شده.)

۲ - نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در سال ۷۳۳ هجری استنساخ شده و دومین نسخه قدیمی تر از کلیه نسخه های مشهور است. (این نسخه در همه جا باعلامت شرطی I مشخص شده.)

۳ - نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۱۸۴۹ هجری نگاشته شده، ولی حاوی « مقدمه قدیم » شاهنامه است و بنا بر این از روی نسخه ای قدیمی تر که متن آن با متن نسخه سال ۷۳۳ بسیار نزدیک بوده استنساخ گردیده است. (برای این نسخه علامت شرطی IV بکار برده میشود.)

۴ - نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، بدون تاریخ، ولی بحسب شیوه نگارش، جنس کاغذ و اسلوب مینیاتورها میتوان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۸۵۰ هجری استنساخ شده است. در این نسخه اشتباهات و اغلاط زیاد است، اما این نسخه نیز حاوی « مقدمه قدیم » میباشد و از روی نسخه ای نوشته شده که در بعضی از موارد بسیار نزدیک به نسخه خطی سال ۶۷۵ هجری است. (برای این نسخه علامت VI بکار برده میشود.)

این چهار نسخه حاوی متنی است که قبل از تهیه نسخه خطی مشهور برای بای سنقر در سال ۸۳۳ هجری رواج داشته است. کلیه اطلاعات و نظریات راجع به « مقدمه قدیمی » و نسخه خطی سال ۸۳۳ هجری توسط ی. - برتلس در مقدمه روسی این جلد شرح داده شده است. (۱) و نیز در همین مقدمه مختصات کلیه نسخ مورد استفاده مشروحاً ذکر گردیده است. متن حاضر که بر پایه چهار نسخه نامبرده قرار دارد با ترجمه عربی

۱ - برای دانستن خصوصیات « نسخه بای سنقر » که میکروفیلم آن پس از وفات ی. برتلس از ایران دریافت گردیده و در ترتیب دادن متن حاضر بکار نخواهد رفت به نظریات مشروح کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه در مقدمه روسی رجوع شود. کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه از فرصت استفاده نموده مراتب امتنان خود را به آقای شجاع الدین شفا و آقای مهدی بیانی که میکروفیلم نسخه خطی بای سنقری را برای ما ارسال داشته اند تقدیم میدارد. (یادداشت کمیسیون.)

شاهنامه که در سالهای ۶۱۵-۶۲۴ توسط الفتح ابن علی البنداری الاصفهانی انجام یافته، تطبیق شده است. (برای این ترجمه علامت شرطی B بکار برده میشود.) ولی از آنجا که این ترجمه در بسیاری از موارد ترجمه دقیق متن صرف نظر نموده و به نقل مختصر واقعه قناعت ورزیده است، استفاده از آن برای ترتیب دادن متن حاضر با احتیاط فراوان همراه میباشد. از طرف دیگر بسیاری از جزئیات ترجمه بنداری برای ترتیب دادن این متن کمک گرانبهایی نموده است. خصوصیات این ترجمه و شیوه استفاده از آن نیز توسط ی. برتس در مقدمه روسی به تفصیل شرح داده شده است.

هیچیک از نسخ مورد استفاده نمیتوانست پایه متن حاضر قرار گیرد بدینجهت برای ترتیب دهندگان متن لازم بود که متن اصلی را پس از مقایسه دقیق کلیه نسخه های مورد استفاده و با در نظر گرفتن دقیق کلیه اختلافات و تفاوت های آنها انتخاب نموده تفاوت ها را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعد از باره متن شاهنامه تتبع مینمایند امکان داشته باشند کلیه جزئیات کار را مورد بازرسی قرار دهند.

محک و معیار شیوه بیان و سبک و زبان شاهنامه در ترتیب دادن این متن با کمال احتیاط بکار برده شده است. زیرا موضوع اینستکه ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم و فقط کوشش میکنیم حتی الامکان بدان نزدیک شویم. زبان و سبک و شیوه بیان فردوسی را فقط میتوان از متن اصلی شاهنامه بدست آورد. بنا بر این اگر ما اکنون سخن و سبک و شیوه بیان فردوسی را عاملی بدانیم که بطور نهائی معلوم شده و بخواهیم بوسیله طریق ترتیب دادن متن را معین سازیم دچار اشتباهی منطقی خواهیم شد. زیرا عامل مجهولی برای ما نقش معرف بازی خواهد کرد و یا بعبارت دیگر مجهولی معرف مجهول دیگری خواهد بود. و بهمین جهت هم فرهنگ ف. ولف که بر پایه چاپ های مول و ماکان یعنی متون درهم آمیخته و بر اساس نسخه های خطی قرون مختلف قرار گرفته نیز در ترتیب دادن این متن از طرف ما با کمال احتیاط بکار برده شده است.

بدین شکل متن حاضر بطور کلی حاوی متنی است که از کلیه متون معروف شاهنامه قدیمی تر و مربوط به قرون هفتم و هشتم هجری میباشد و هم چنین نسخه های هم عصر و هم آنک این قرون را که تا کنون مورد استفاد قرار نگرفته اند، در دسترس دانش قرار میدهد. بی شک این متن از متن های

درهم آمیخته چاپهای موجود و در نسخ قرون دیگر پس از قرن نهم هجری به متن اصلی که پرداخته خامه فردوسی است نزدیک تر میباشد .

با وجود این متن حاضر را بهیچوجه نمیتوان «آخرین» متن و «متن اصلی» بشمار آورد (۱) بلکه تتبع عمیق فیلولوژیک متن شاهنامه فقط حالا آغاز میگردد. قبل از هر کار لازم است که منظره تغییرات تاریخی که متن شاهنامه در جریان قرون متوالی بدان دچار گردیده است تثبیت گردد. ولی انجام یکباره این امر بواسطه وجود نسخه‌های خطی بیشمار دشوار است. ما در چاپ حاضر متنی مبنی بر قدیمی ترین نسخه‌ها را در دسترس خوانندگان و محققین قرار میدهیم . بر پایه این متن باید فرهنگی «کنکوردانس» نظیر فرهنگ ف. ولف تنظیم گردد . این فرهنگ بر پایه نسخ خطی که تاریخ کتابت آنها دقیقاً معلوم است قرار خواهد داشت و در آن ذکر خواهد شد که هر کلمه در کدام نسخه وجود دارد . چنین فرهنگی نظر ما را نسبت به لغاتی که فردوسی بکار برده است دقیق تر خواهد ساخت و امکان خواهد داد که با کمک مراجعه همه جانبه به متن، از نو به تحقیق درباره شاهنامه پردازیم . فقط پس از آنست که میتوانیم مسئله «آخرین» متن شاهنامه را بطور نسبی مطرح کنیم . برای اینکار میتوان همچنین از نسخ خطی دیگر (۲) شاهنامه و کتب قدیمی دیگری که حاوی بعضی از قسمت‌ها و ابیات اصیل شاهنامه باشند استفاده نمود ، زیرا در اینصورت چند محک و معیار برای سنجش اصالت آنها در دست خواهد بود . هم چنین میتوان منابع مختلف دیگر مانند طبری، ثعالبی و غیره و نیز فرهنگ‌ها را

۱- مخصوصاً باید تذکار داد که متأسفانه صفحات اول کلیه نسخه‌های مورد استفاده معیوب بودند و بدینجهت متن حاضر از آغاز کتاب تا پادشاهی کیومرث حاوی موارد مشکوک میباشد . قسمتی از متن که بیشتر قابل اعتماد است از صفحه ۴۱ آغاز میگردد:

۲- در سال ۱۹۵۴ آقای سعید نفیسی نظر بر تلس راد درباره وجود نسخه‌ای قدیمی و خوب از شاهنامه در قاهره که در سال ۷۹۶ هجری کتابت شده جلب نمود. میکروفیلم این نسخه پس از وفات ی. برتلس دریافت گردید . متن این نسخه با نسخ دیگری که در چاپ حاضر مورد استفاده قرار گرفته است نزدیک میباشد . استفاده از این نسخه فقط از جلد چهارم چاپ حاضر شروع شده است. از آنجا که هنگام دریافت میکروفیلم نسخه قاهره مجلدات اول و دوم و سوم چاپ حاضر در چاپخانه بود، اختلافات بین متن نسخه قاهره و آن مجلدات در آینده در قسمت ملحقات خواهد شد . (یادداشت کمیسیون).

مورداستفاده قرارداد و از تفسیر مشروح تمام متن شاهنامه و بکار بردن کلیه شیوه‌های تقیح فیلولوژیک آغاز نمود.

ولی اینکار مربوط به آینده است. در حال حاضر ما قدیمی ترین متن شاهنامه را به خوانندگان عرضه می‌داریم و این نخستین مرحله تقیح درباره متن این اثر و پایه‌ای برای تقیح بعدی آن است. در اینجا باید اقرار کنیم که البته در متن حاضر کمبودهای زیاد و کار برداخت نشده و صیقل نخورده راه یافته است، ولی ما از این آزمایش که با تمام وسایل متن حاضر را «بهبتر سازیم» و آنرا «آسان خوانا» کنیم پرهیز نمودیم. زیرا اینکار به مقصود ما که تقیح پی گیر درباره متن است و همچنین به شیوه اساسی ما که تثبیت قدیمی ترین نسخ و قدیمی ترین ترتیب و تدوین متن میباشد، خلل وارد می‌ساخت. در نتیجه چنین آزمایشی «آخرین» متن اثر فردوسی بوجود نیامد و ارزش کار تنزل مییافت و چاپ متن به زمان نامعلومی محول میگشت.



در متن حاضر سیستم ذکر نسخه بدلها با سیستم‌های فعلی انتشارات غربی (مثلا چاپ رولرس) مطابقت دارد. بعضی از مختصات این سیستم در مقدمه روسی بیان شده است. در همانجا نیز رسم الخط نسخ مورد استفاده ذکر گردیده است.

در آغاز کار تمام متن این مجلد بر پایه نسخ 'I', 'IV', 'VI' و ترجمه بنداری بوسیله ل. گزلیان ترتیب داده شد. ولی بدآ شیوه استفاده از این منابع تغییر یافت. تصمیم چنین شد که نسخه بدلها کاملا ذکر گردد و کلیه آیاتی که در نسخه‌ها وجود دارند، ولی مشکوک یا از ملحقات بنظر می‌آیند، در متن بین دو هلال و یاد آخر متن در ملحقات ثبت شوند. بدین ملاحظه متن ترتیب یافته بواسطه گزلیان جزداستان منوچهر، از بیت ۱ تا بیت ۱۲۳۸ که توسط او - اسمیرنوو تصحیح شده است، بتوسط آ. برتلس مورد مطالعه و تصحیح قرار گرفت. آ. برتلس هم چنین متن ملحقات را ترتیب داده است. (۱)

مقدمه کمیسیون نشر متن منقح شاهنامه فردوسی

بملاحظه وفات ی. برتلس که متن حاضر تحت نظر او تهیه شده است اداره انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی کمیسیونی مرکب از ی. براگینسکی عضو پیوسته فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی، ب. غفوراف

(۱) پس از وفات ی. برتلس متن حاضر در موقع چاپ بنظر ع. فردوس رسیده و بعضی نظرات از طرف او داده شده است.

عضو هیئت مدیران فرهنگستان علوم شوروی و ع. فردوس تشکیل داد و تهیه و انتشار مجلدات دیگر شاهنامه را بعهده آنها محول نمود .

هنگام وفات ی. برتلس جلد اول ردوم متن منقح شاهنامه در مرحله اصلاح قرار داشتند و نیز بعضی مسائل مربوط به ترتیب متن از طرف دانشمند فقید هنوز کاملاً حل نشده بود .

در اظهار نظرهای ی. برتلس مربوط به چاپ شاهنامه این جمله دیده میشود: « وقتی ترجمه بنداری فاقد ترجمه قطعه‌ای از شاهنامه است، ولی این قطعه در کلیه نسخ خطی قدیمی وجود دارد و تفاوت و اختلاف آنها نیز چندان فاحش نیست، چنین قطعه‌ای را ترتیب دهندگان در متن نگه میدارند» (۱)

وقتی کمیسیون جلد اول متن انتقادی حاضر شاهنامه را که در مرحله چاپ بود مورد مطالعه قرار داد به این مسئله برخورد که متن قطعاتی که به ملحقات برده شده بدون تفاوت و اختلاف اصولی در کلیه نسخ مورد استفاده وجود دارند و فقط ترجمه بنداری فاقد آنهاست. بنابراین بموجب اصلی که بر پایه انتشار این متن قرار گرفته و توسط ی. برتلس بیان شده و در پیش نقل گردیده است، میبایستی این قطعات در متن بین دو هلال جای داده شوند، چنانکه در موارد نظیر عین این عمل اجرا شده است. با وجود این کمیسیون تصمیم گرفت این مجلد را به همان شکل که ی. برتلس به بنگه انتشارات داد بچاپ برساند .

از این گذشته کمیسیون یاد آور میشود که بنا بر نظریه ی. برتلس که در آخرین اثر او «تاریخ ادبیات فارس - تجیک» دیده میشود، آخرین قطعه ملحقات که نه تنها در ترجمه بنداری بلکه در نسخه VI نیز وجود ندارد (رجوع به ملحقات شماره X، بیت ۱-۳۷ «کشتن رستم پیل سپید را») - «گویا از ملحقات بعدی است». قطعه ملحقات X از بیت ۳۸ تا بیت ۱۷۷ («رفتن رستم بکوه سپند») نیز در ترجمه بنداری و نسخه VI وجود ندارد.

(۱) ی. برتلس. شاهنامه و انتقاد متن آن - مجله «خاورشناسی شوروی»